

باب چهل و یکم - در نهی از زنا مشتمل بر ۳ فصل

فصل اوّل

در نهی از زنا

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی:

"قد حرّم علیکم القتل و الزّنا." (بند ۱۹)

حضرت عبدالهّاء جلّ ثنائه در لوحی میفرمایند قوله العزیز:

"در الواح الهیّه در مسئله فحشاء بقدری زجر و عتاب و عقاب مذکور که بحدّ حصر نیاید که شخص مرتکب فحشاء از درگاه احدیّت مطرود و مردود و در نزد یاران مذموم و در نزد عموم بشر مردول^۱ حتّی در بعضی کلمات بیان خسران مبین و محرومیّت ابدی است."
(مکاتیب جلد سوّم صفحه ۳۷۰)

و جمالقدم جلّ جلاله در لوح سحاب میفرمایند قوله تعالی:

"قل الذّین ارتکبوا الفحشاء و تمسّکوا بالدّنیا اّهمّ لیسوا من اهل الهیاء."

و در لوح ذبیح نازل قوله تعالی:

"اهل بهاء نفوسی هستند که اگر بر مدائن ذهب مرور کنند نظر التفات بآن ننمایند و اگر چه جمیع نساء ارض باحسن طراز و ابداع جمال حاضر شوند بنظر هوی در آنها نظر نکنند."

و در مقام دیگر میفرمایند قوله تعالی:

"هر نفسی از او آثار خباثت و شهوت ظاهر شود او از حقّ نبوده و نیست."

و حضرت عبدالهّاء جلّ ثنائه میفرمایند قوله العزیز:

^۱ مردول: پست و بی ارزش

"اهل بهاء باید مظاهر عصمت و عفت عظمی باشند. در نصوص الهیه مرقوم و مضمون آیه بفارسی چنین است که اگر ربّات² حجال بابدع جمال بر ایشان بگذرند ابدان نظرشان بآن

² ربّات: بفتح راء جمع ربه مؤنث ربّ بمعنی صاحب و حجال بکسر حاء جمع حجله بمعنی اطاق عروس است و ربّات حجال دوشیزگان پرده نشین را گویند سمت نیفتد. مقصد این است که تنزیه و تقدیس از اعظم خصائص اهل بهاء است و رفات موقنه مطمئنه باید در کمال تنزیه و تقدیس و عفت و عصمت و ستر و حجاب و حیا مشهور آفاق گردند تا کلّ بر پاکی و طهارت و کمالات عفتیه ایشان شهادت دهند زیرا ذره‌ای از عصمت اعظم از صد هزار سال عبادت و دریای معرفت است."